

مقاله علمی پژوهشی

تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی نواحی استان اردبیل با تأکید بر عدالت فضایی

سید علی حسینی^۱، *محمد میرهای^۲، مریم عبدلی مسینان^۳، سیده مریم حسینی^۴

۱. پژوهشگر دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. استادیار گروه آمایش سرزمین، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد گروه مدیریت صنعتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

Analysis of Spatial Inequalities in Ardebil Province with
Emphasis on Spatial Justice

Seyed Ali Hosseini¹, *Mohammad Mirehei², Maryam Abdoli Masinan³, Seyede Maryam Hosseini⁴

1. Ph.D. Candidate in Geography and Urban Planning, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Spatial Planning, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Master of Industrial Management, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

4. B.Sc. in Social Sciences, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Received: 09/01/2019

Accepted: 22/07/2020

Abstract

The purpose of this study was to analyze the spatial inequalities of Ardebil province with an emphasis on spatial justice. The research method was descriptive-analytical and the data collection method was documentary. The statistical population was the cities of Ardebil province. To analyze the spatial inequalities of regional development in the regions of Ardebil province, Similarity and Kapras models were used and to determine the prioritization strategy, the average ranking method was used. The results showed that the cities of Nir, Meshkinshahr and Ardebil with an average coefficient of 20.24, at the level of enjoyment, Moghan and Kowsar cities with an average coefficient of 3.57, semi-privileged, Khalkhal and Parsabad cities with an average coefficient of 2.67 and Sarein are at a completely deprived level. According to the results of 1.67 the study, the existence of spatial inequalities in different parts of the province was confirmed. The use of similarity and capers models in the analysis of spatial inequalities of regional development in Ardabil province is a research innovation.

Keywords

Spatial Inequalities, Spatial Justice, Ardebil Province

چکیده

هدف از این مطالعه تحلیل نابرابری‌های فضایی نواحی استان اردبیل با تأکید بر عدالت فضایی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی است. جامعه آماری، شهرستان‌های استان اردبیل بودند. برای تحلیل نابرابری‌های فضایی توسعه ناحیه‌ای در نواحی استان اردبیل از مدل‌های سیمیلاریتی و کپراس و برای تعیین استراتژی اولویت‌بندی از روش میانگین رتبه‌ها استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که شهرستان‌های نیر، مشکین‌شهر و اردبیل با میانگین ضریب ۲۰/۲۴، در سطح برخوردار، شهرستان‌های مغان و کوثر با میانگین ضریب ۳/۵۷، نیمه برخوردار، شهرستان‌های خلخال و پارس‌آباد با میانگین ضریب ۲/۶۷ محروم و شهرستان‌های سرعین، بيله‌سوار و نمین با میانگین ضریب ۱/۶۷ در سطح کاملاً محروم قرار دارند. با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش که وجود نابرابری‌های فضایی در نواحی مختلف استان تأیید گردید. استفاده از مدل‌های سیمیلاریتی و کپراس در تحلیل نابرابری‌های فضایی توسعه ناحیه‌ای در استان اردبیل نوآوری تحقیق محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی

نابرابری‌های فضایی، عدالت فضایی، استان اردبیل.

مقدمه

مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها، چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد. به‌ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آن‌ها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید (Shankar, Shah, 2003: 1422).

نابرابری‌های مزمن و فزاینده میان مناطق مختلف یک کشور، بیانگر عدم بهره‌مندی بخشی از جمعیت کشور از پیامدهای رشد و توسعه اقتصادی است. از یک‌سو، رشد بالای اقتصادی ممکن است باعث تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای و تداوم فقر در بخشی از جمعیت کشور شود و از سوی دیگر عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب آن نیز می‌تواند به تشدید این نابرابری‌ها در جامعه کمک کند. بنابراین مقابله با فقر و نابرابری از اهداف اصلی توسعه اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه می‌باشد (کریمی موعاری و براتی، ۱۳۹۶: ۵۰).

یکی از مشخصه‌های بارز در توسعه فضایی ایران، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است (نظم‌فر، ۱۳۹۴: ۲۲۹) که بهره‌گیری از برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای، می‌تواند پاسخی به این نارسایی‌ها و کاستی‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد (نظم‌فر، ۱۳۹۴: ۲۲۹).

در ایران از یک‌سو نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات در اثر سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی، قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در شهرهای مسلط ناحیه‌ای؛ عدم تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی یکی از مسائل مهمی می‌باشد که تحت تأثیر مکانیسم‌های حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است (موحد، ۱۳۷۶: ۲). نتیجه چنین امری، عدم توزیع بهینه امکانات، رفاه و ثروت، از بین بردن برابری‌های نواحی، افزایش شکاف توسعه و از بین رفتن عدالت اجتماعی و اقتصادی و دوگانگی ناحیه‌ای بوده است. از این‌رو ضرورت دارد، برنامه‌ریزان و طراحان توسعه با دیدی واقع‌بینانه علت وجودی دوگانگی ناحیه‌ای را برای رهایی از این معضل مورد توجه قرار دهند (موحد، ۱۳۷۶: ۳).

از سوی دیگر، تجربیات تمامی نظریات توسعه نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد، نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق است. بنابراین برای انجام برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تدوین راهکارهای توسعه، موفقیت در برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی، بررسی و شناخت توان‌ها، کمبودها و تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی و سکونتگاه‌ها براساس برخی شاخص‌های برتر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۸).

امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، جهت ارائه طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری امری ضروری است، به‌طوری که استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌تواند معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی و عاملی مهم در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در راه رسیدن به توسعه و عدالت اجتماعی باشد (قنبری و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۲).

اولین گام در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه و علت نابرابری‌ها و شناسایی وضع موجود آن‌ها می‌باشد که این شناسایی مستلزم تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌باشد (متوسلی، ۱۳۸۰: ۲).

برنامه‌ریزی علمی و منطقی به یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی فضایی که توزیع بهینه و متعادل امکانات و خدمات بین سکونتگاه‌های مختلف می‌باشد که دستیابی به آن در سطح استان اردبیل ضرورت مطالعه را ایجاد می‌کند. برای تحقق این امر، نیاز به شناسایی سکونتگاه‌های مختلف از نظر میزان برخورداری آن‌ها از خدمات گوناگون است. تا بتوان نقاط محروم و توسعه نیافته را شناسایی نمود و به برنامه‌ریزی منطقی و درست برای ایجاد تعادل فضایی و کاهش فاصله بهره‌مندی بین مناطق اقدام کرد.

مطالعه حاضر به‌منظور دستیابی به توسعه متعادل ناحیه‌ای در پی شناخت موقعیت، چگونگی توزیع و نحوه پراکنش امکانات توسعه در شهرستان‌های استان اردبیل اجرا گردید. زیرا به نظر می‌رسد استان اردبیل هم مانند دیگر استان‌های کشور به پیروی از قانون مرکز - پیرامون دارای عدم تعادل در نظام سکونتگاهی و سطح‌بندی خدمات است. به‌گونه‌ای که می‌توان تصور کرد علی‌رغم قابلیت‌های متفاوت در تمام نقاط استان برای سرمایه‌گذاری و ایجاد توسعه پایدار، بیش‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در چند شهرستان اصلی این استان متمرکز شده باشد.

در مناطق گوناگون استان شهرهای کوچک پراکنده هستند که ممکن است به دلیل قابلیت‌های محدود و ناچیز اقتصادی - خدماتی توان پرتوافشانی به پیرامون خود را نداشته باشند و نتوانند نقشی قوی به‌عنوان کانون‌های انتشار توسعه ایفاء نمایند و چند شهر اصلی و مهم این استان هم نمی‌توانند الگوهای سکونت در تمام منطقه را تحت شعاع خود قرار دهند و نواحی وسیعی از شمال و جنوب استان از دریافت مستقیم خدمات و امکانات محروم مانده‌اند. از طرفی با توجه به مرزی بودن استان اردبیل و روند معمول در سیاست‌های برنامه‌ریزی کشور که بیش‌ترین توجه و برنامه‌ریزی را به استان‌های بزرگ و مرکزی اختصاص می‌دهند و به استان‌های مرزی و حاشیه‌ای علی‌رغم نقشی که در حفظ امنیت ملی و بین‌المللی کشور ایفا می‌کنند، کم‌تر توجه می‌شود و استان اردبیل نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

اکنون، توجه به مفهوم توسعه و فراتر از آن، توسعه پایدار به‌جای توسعه صرفاً اقتصادی، نگاه را به‌سوی مفهوم توزیع خدمات و امکانات، سوق داده است (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

تمرکز توسعه پایدار بر موضوعاتی مانند افزایش کیفیت زندگی یا به عبارتی در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی و فراهم آوردن رفاه و عدالت اجتماعی برای همه، هدف اصلی آن تلقی می‌شود (Bigdeli, 2006: 28).

توسعه پایدار، نوعی از توسعه شهری است که فقط به عدالت و تعادل محیطی محدود نمی‌شود. بلکه لازمه آن پایداری اجتماعی- اقتصادی، خدمات‌رسانی و عدالت اجتماعی است (Dalir; Maleky, 2002: 129). توجه به اینکه هدف اصلی توسعه، از میان برداشتن تمام نابرابری‌های اجتماع است، مناسب‌ترین مفهوم برای توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی می‌باشد (Hadder, 2000: 101).

در مدل «مرکز- پیرامون» فریدمن^۱ (۱۹۶۶) هر نظام فضایی از دو زیر نظام یکی مرکز، هسته یا کانون که مرکز پویایی، تحول و پیچیدگی است و دیگری پیرامون که وابسته به هسته می‌باشد، تشکیل شده. مرکز یا کانون خاصیت دینامیک، رهبری کننده همچنین خصلت صنعتی و خدماتی دارد. اما پیرامون دارای خصلت کشاورزی و فرمان‌بردار است (فریدمن، ۱۳۷۹: ۱۵).

نظام سکونتگاه‌های شهری به‌عنوان نقاط کلیدی برای جذب مازاد تولیدات کشاورزی و انتقال آن به مادر شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد (فریدمن، ۱۳۷۹: ۱۶). به عقیده فریدمن روند قطبی شدن و دوگانگی در سازوکار مرکز- پیرامون «خود- تقویت کننده» است.

روند تحکیم تسلط فضای مرکزی بر فضای حاشیه‌ای از طریق یک سری مکانیزم‌ها خود را تقویت می‌کند. این مکانیزم‌ها عبارت‌اند از: «اثر سلطه» که باعث انتقال منابع از حاشیه به مرکز می‌شود. «اثر اطلاعاتی» که تشدید روابط و نوآوری در مرکز را تسهیل می‌کند. «اثر روانی» که به‌دلیل چشمگیری، انتظارات بالا و خطر کم‌تر به رشد بالاتر نوآوری‌ها در مرکز ختم می‌شود. «اثر نوسازی» (مدرنیزاسیون) که تغییرات نهادی و اجتماعی مناسب نوآوری‌ها را فراهم می‌سازد. «اثر زنجیره‌ای» که هر نوآوری، نوآوری‌های دیگر را پدید می‌آورد. «اثر تولیدی» که منجر به ایجاد صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تجمع را در فضای مرکز می‌شود (Dufaux, 2008: 53).

سازمان‌دهی فضا یکی از ابعاد تعیین‌کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است (Dufaux, 2008: 1). از این‌رو تجزیه و تحلیل بر هم‌کنش بین

بنابراین شناسایی اصولی و همه‌جانبه پراکندگی امکانات، نیازها، تنگناها و قابلیت‌های شهرستان‌های این استان، برای ایجاد تعادل بین مناطق و از بین بردن نابرابری‌های منطقه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. حال این سوال مطرح می‌شود که پراکندگی عدالت فضایی در نواحی مختلف استان اردبیل چگونه است؟ از این‌رو، پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل نابرابری‌های فضایی نواحی استان اردبیل را به‌عنوان هدف کلی مطالعه در نظر گرفته است و استفاده از مدل‌های سیمیلاریتی و کپراس در تحلیل نابرابری‌های فضایی توسعه ناحیه‌ای در استان اردبیل نوآوری تحقیق محسوب می‌شود.

مبانی نظری

چارچوب نظری

امروزه، توسعه، هم‌پای زندگی بهتر، تلقی می‌شود و جوامع نسبت به گذشته، از آن بیش‌تر منتفع می‌گردند (پاپلی‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۵). مقوله توسعه، حاوی مفاهیم روشنی دایر بر پیشرفت، بسط، ترقی، نمود و وسعت دادن و نیز گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (شه‌بازی، ۱۳۷۲: ۲۸) که در مکاتب مختلف و دوره‌های زمانی متفاوت، تعریف‌های گوناگونی از آن ارائه گردیده است (ملانوری شمسی، ۱۳۸۲: ۲).

توسعه در لغت، به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفت نمودن و قدرتمند شدن است. توسعه، مفهومی کیفی است که در برابر مفهوم رشد، قرار می‌گیرد و می‌توان آن را معادل افزایش کیفیت زندگی دانست (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

این اصطلاح ابتدا به معنای نرخ رشد اقتصادی قلمداد می‌شد، اما بعدها به مفهوم کاهش یا از میان بردن فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، گرایش پیدا کرد (زیاری، ۱۳۷۹: ۵۸) و در تعریف‌های اخیر بیش‌تر بر جنبه‌های انسانی زندگی بشر تأکید شده و محتوای اصلی توسعه، بهبود بخشیدن به شرایط زندگی افراد در جامعه می‌باشد.

در تعریف کلی، توسعه در مفهوم عام خود، از قوه به فعل درآوردن توانمندی‌های افراد جامعه و امری پویا و درونزا تعریف شده است (هنری پاول، ۱۳۷۴: ۱۴).

از جمله مشکلات همیشگی در بررسی ادبیات توسعه اقتصادی، شناسایی مفهوم توسعه است. توسعه، رشد اقتصادی نیست؛ زیرا جریانی چندبعدی است که در خود، سازمان‌دهی دوباره را به دنبال دارد (Hadder, 2000: 102).

تلقی امروزی از توسعه، همه‌جانبه و معطوف می‌باشد. تا اواخر دهه ۱۹۵۰، مفهوم اقتصادی بر فرایند توسعه، غلبه داشت و تأمین نیازهای اساسی را نتیجه ضمنی رشد اقتصادی می‌دانستند. اما

از آن‌جا که تسهیلات و خدمات به‌صورت واحدهای مجزا مکان‌یابی می‌شوند در حالی که مردمی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، به‌طور فضایی پیوسته هستند. و ناچار موجب دسترسی‌های مغایر درون‌شهری می‌شوند. به‌عبارت دیگر صرف‌نظر از جایی که تسهیلات مکان‌یابی می‌شوند، همیشه افرادی هستند که نسبت به دیگران به آن‌ها نزدیک‌ترند. بنابراین برنامه‌ریزان باید در پی حل این مسئله باشند که در الگوی مکان‌یابی خدمات و تسهیلات ایجاد شده و نحوه توزیع آن‌ها، چه میزان نابرابری به‌وجود آمده و چه گروه‌هایی بیش‌تر محروم شده‌اند (Hewko, 2001: 5). در واقع دید گسترده‌تری از دسترسی با پیامدهای خارجی فضایی ترکیب می‌شود که باید شامل تحلیل‌هایی شود که داشتن یک تطبیق بالقوه بین توزیع فضایی خدمات و متغیرهای توصیفی اجتماعی اقتصادی را جستجو کنند. اختلاف دسترسی به خدمات می‌تواند عملی باشد که نابرابری‌های اجتماعی درون جامعه را افزایش یا کاهش دهد. برای تحلیل عدالت فضایی، بایستی بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی ر اجتماعی تأکید بیش‌تری صورت پذیرد (Talen, 1996: 89).

در رویکرد جغرافیایی، عدالت اجتماعی شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دست‌یابی برابر شهروندان به آن‌ها است زیرا عدم توزیع عادلانه آن‌ها به بحران اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۷).

پیشینه تحقیق

مباحث توسعه در طول تاریخ بشر همواره وجود داشته است، اما تنها در دهه‌های اخیر به لحاظ تفاوت‌های منطقه‌ای و سطوح برخورداری، توجهات جدی‌تری به آن شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

کریا^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، نابرابری‌های منطقه‌ای تانزانیا با استفاده از شاخص ترکیبی رفاه (SCIW^۳)، در سطح ۲۶۳ شهر این کشور را بررسی کردند. نتایج نشان از وجود نابرابری‌های فضایی در شهرهای این کشور داشت. شاخص ترکیبی رفاه پیشنهادی شامل زیر شاخص‌های اقتصادی، جمعیتی، آموزشی، بهداشتی و نیازهای پایه زندگی بود.

گولتس^۴ (۲۰۱۱)، توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور یونان را مورد سنجش قرار داد. آن‌ها ابتدا با رویکرد چندمتغیره یک شاخص ترکیبی ایجاد کردند و سپس روش خوشه‌بندی چندمتغیره

فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نحوه تنظیم سیاست‌هایی برای کاهش یا حل آن‌ها ضروری است. در واقع پیوندگاهی است که مفهوم عدالت اجتماعی توسعه داده شده است (Dufaux, 2008: 2).

اصطلاح «عدالت فضایی» تا چندسال گذشته کم‌تر مورد استفاده بود و یا مجذوب مفاهیم مرتبطی چون عدالت سرزمینی، عدالت محیطی، بی‌عدالتی‌های شهرنشین و کاهش بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای می‌شد (Soja, 2006: 1). اعتقادی که در حال حاضر وجود دارد این است که با پذیرش شرایط اجتماعی و محیطی و طرح آن‌ها در یک چارچوب فضایی، عدالت فضایی می‌تواند ظرفیتی برای وحدت «جنبش‌های عدالت‌خواه» زیر یک چتر مشترک تلقی شده و در آینده به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در پیدایی جوامع عادلانه‌تر و پایدارتر کمک کند (Prang, 2009: 27).

مفهوم عدالت فضایی باعث به وجود آمدن چندین دیدگاه در حوزه علوم اجتماعی شده است: دو دیدگاه متقابل عدالت، بحث‌های مربوط به این موضوع را دوقطبی کرده‌اند: یکی بر روی موضوع توزیع مجدد متمرکز می‌شود و دیگری روی فرآیندهای تصمیم‌گیری متمرکز می‌شود.

دیدگاه اول شامل پرسش از موضوعاتی درباره توزیعات فضایی- اجتماعی و تلاش برای رسیدن به یک توزیع جغرافیایی برابر متناسب با خواسته‌ها و نیازهای جامعه همچون فرصت‌های شغلی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و ... است. این در مناطقی که حرکت به سمت عدالت فضایی با مشکلات زیادی از جمله فقر، تبعیض یا محدودیت‌های سیاسی همراه می‌شود، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در دیدگاه عدالت توزیعی، تأکید بر عادلانه بودن یا نبودن دسترسی به کالاها و خدمات مادی و غیرمادی، یا موقعیت‌های اجتماعی است. دو محور برجسته در عدالت فضایی که بر آن‌ها تأکید می‌شود، چگونگی وضعیت زندگی (هم محیط اجتماعی و هم محیط فیزیکی) و توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی) است (Dufaux, 2008: 2).

برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدماتی مانند دسترسی به مدرسه، مراکز بهداشتی و یا رخدادهای فرهنگی بوده است. برخی دیگر عدالت فضایی را برابری در نحوه انتخاب فرصت‌ها، مثل نحوه انتخاب کار یا انتخاب نهادهای آموزشی قابل دسترس تعریف کرده‌اند. تحقیقاتی هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، سلاقی، اولویت‌های ساکنین و استانداردهای خدمات‌رسانی تعریف کرده‌اند (Liao et al., 2009: 138).

2. Kriaa

3. Spatial Composite Index of Welfare

4. Goletsis

در وضعیت مناسبی نیستند و در سطح استان هیچ شهرستانی در خوشه اول و دوم توسعه یافتگی (بسیار بالا و بالا) قرار نگرفتند. اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، سطوح برخورداری و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان همدان را با استفاده از مدل‌های چند معیاره نشان داد که توزیع خدمات در بین شهرستان‌های استان همدان به صورت ناعادلانه انجام شده است. شهرستان‌های همدان و ملایر در سطح برخورداری و شهرستان‌های اسدآباد و فامنین در سطح بسیار محروم توسعه قرار داشتند.

کریمی موغاری و براتی (۱۳۹۶)، سطوح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران را با استفاده از تحلیل شاخص‌های ترکیبی چندبعدی تحلیل کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که استان‌های تهران، یزد و سمنان دارای بالاترین سطح توسعه و استان سیستان و بلوچستان در رتبه انتهایی توسعه قرار دارد.

در این پژوهش تلاش شد نابرابری منطقه‌ای در پنج بعد فرهنگی - اجتماعی، آموزشی، کالبدی - زیربنایی، اقتصادی و بهداشتی - درمانی پرداخته شود که در مطالعات پیشین به ندرت از پنج بعد باهم استفاده گردیده است. علاوه بر این‌ها در این پژوهش از دو مدل سیمیلاریتی و کپراس برای تحلیل نابرابری‌ها استفاده شد که نسبت به سایر مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره دارای امتیازات و مزیت‌هایی بیش‌تر می‌باشد و نقاط ضعف بسیاری از آنان را پوشش می‌دهد. از جمله این دو مدل قادرند به طور هم‌زمان از معیارهای کمی و کیفی برای ارزیابی گزینه‌ها استفاده نمایند و نیز قابلیت محاسبه معیارهای مثبت و معیارهای منفی را به طور جداگانه در فرآیند ارزیابی قرار دهند.

روش انجام پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کاربردی - توسعه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی بوده است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی انجام یافته است. جامعه آماری تحقیق شهرستان‌های استان اردبیل به تعداد ۱۰ شهرستان بودند. شاخص‌های مورد بررسی متشکل از ۵۳ شاخص در ۵ بعد توسعه یافتگی شامل (فرهنگی - اجتماعی، بهداشتی - درمانی، آموزشی، کالبدی و زیربنایی و اقتصادی) می‌شود.

در این مطالعه جهت تحلیل داده‌های تحقیق از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره سیمیلاریتی، کپراس و روش میانگین رتبه‌ها برای تعیین استراتژی اولویت‌بندی استفاده شد. همچنین روش آنتروپی شانون برای وزن‌دهی به شاخص‌های مورد بررسی و نرم‌افزار ARC GIS جهت ترسیم نقشه‌ها و لایه‌های اطلاعاتی مورد نظر، مورد استفاده قرار گرفت.

مراحل انجام روش کپراس

در گام اول ماتریس تصمیم براساس تعدادی معیار تشکیل شد. در

را برای شناسایی مناطق با پروفایل‌های اقتصادی و اجتماعی به کار گرفتند. نتایج پژوهش آن‌ها شواهد قوی مبنی بر همگرایی کامل مناطق یونان در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۵ را نشان نداد.

هاکیزمانا^۵ و جیر^۶ (۲۰۱۴)، به بررسی و سنجش نابرابری‌های فضایی در میان مناطق آفریقای جنوبی با استفاده از شاخص‌های ترکیبی چندبعدی (ضریب جینی، نسبت کوزنتس، شاخص نابرابری تیل و شاخص اتکینسون) پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که انتخاب اقتصادی و سکونتگاهی مردم، متأثر از تمامی عوامل اجتماعی و اقتصادی است و نتایج متفاوتی از هر یک از شاخص‌ها حاصل می‌شود.

بین^۷ (۲۰۱۵)، به سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای در ۳۰ استان کشور چین با استفاده از شاخص ترکیبی توسعه منطقه‌ای (CIRD^۸) پرداخت. نتایج نشان از وجود نابرابری‌های منطقه‌ای در محدوده مورد مطالعه دادند به نحوی که مناطق ساحل شرقی چین، از رشد و توسعه سریع‌تری نسبت به سایر مناطق برخوردار بودند.

تقوایی و صالحی (۱۳۹۲)، سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان را مورد سنجش قرار دادند با تأکید بر رویکرد تحلیل منطقه‌ای با استفاده از روش‌های تاکسونومی عددی، موریس و امتیاز استاندارد به بررسی و مقایسه سطوح توسعه یافتگی در شهرستان‌های استان همدان پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که شهرستان همدان، برخوردارترین و شهرستان کبودرآهنگ و فامنین محروم‌ترین شهرستان‌های استان همدان هستند.

سرای و همکاران (۱۳۹۴)، به سطح‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی، با استفاده از روش وزن‌دهی دلفی و مدل الکترو پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌ها از نظر خدمات فرهنگی ملاحظه می‌شود. به گونه‌ای که براساس نتایج مدل الکترو شهرستان‌های بهمئی، کهگیلویه و شهرستان بویراحمد به ترتیب در بالاترین سطح توسعه فرهنگی قرار گرفتند و شهرستان گچساران نیز در پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفت.

ویسی‌ناب و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی تطبیقی سطوح توسعه یافتگی با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی و مدل موریس در شهرستان‌های استان کرمانشاه پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که شهرستان‌های استان کرمانشاه از لحاظ توسعه یافتگی

5. Hakizimana

6. Geyer

7. Bin

8. Composite Index of Regional Development

ماتریس تصمیم نرمال ایجاد شد. در مرحله بعد به شناسایی گزینه‌های ایده‌آل مثبت و منفی، همچنین انتقال فضای مسئله پرداخته شد. محاسبه درجه همسانی با ایده‌آل مثبت و در نهایت تعیین بهترین گزینه آخرین گام در این روش بود.

متغیرهای اصلی برگرفته از چارچوب نظری و پیشینه مطالعاتی تحقیق عبارتند از: متغیر فرهنگی – اجتماعی، آموزشی، کالبدی و زیربنایی، بهداشتی – درمانی و اقتصادی. جدول ۱، متغیرهای الی و شاخص‌های هر کدام را نشان می‌دهد.

گام دوم نرمال‌سازی یا بی‌مقیاس‌سازی انجام گرفت و سپس ماتریس تصمیم نرمال ایجاد شد. برای این منظور وزن هر معیار در تمامی درایه‌های زیر همان معیار ضرب گردید و در گام بعد به انتخاب گزینه بهینه براساس مجموعه مقادیر معیارهای منفی و مجموعه مقادیر معیارهای مثبت برای هر گزینه پرداخته شد. در پایان جمع کل محاسبه گردید و بهترین گزینه انتخاب شد.

مراحل انجام روش سیمپلاریته

در گام نخست ماتریس تصمیم تشکیل شد. سپس نرمال‌سازی و

جدول ۱. متغیرها و شاخص‌های مورد استفاده در تحلیل نابرابری‌های فضایی نواحی مختلف استان اردبیل

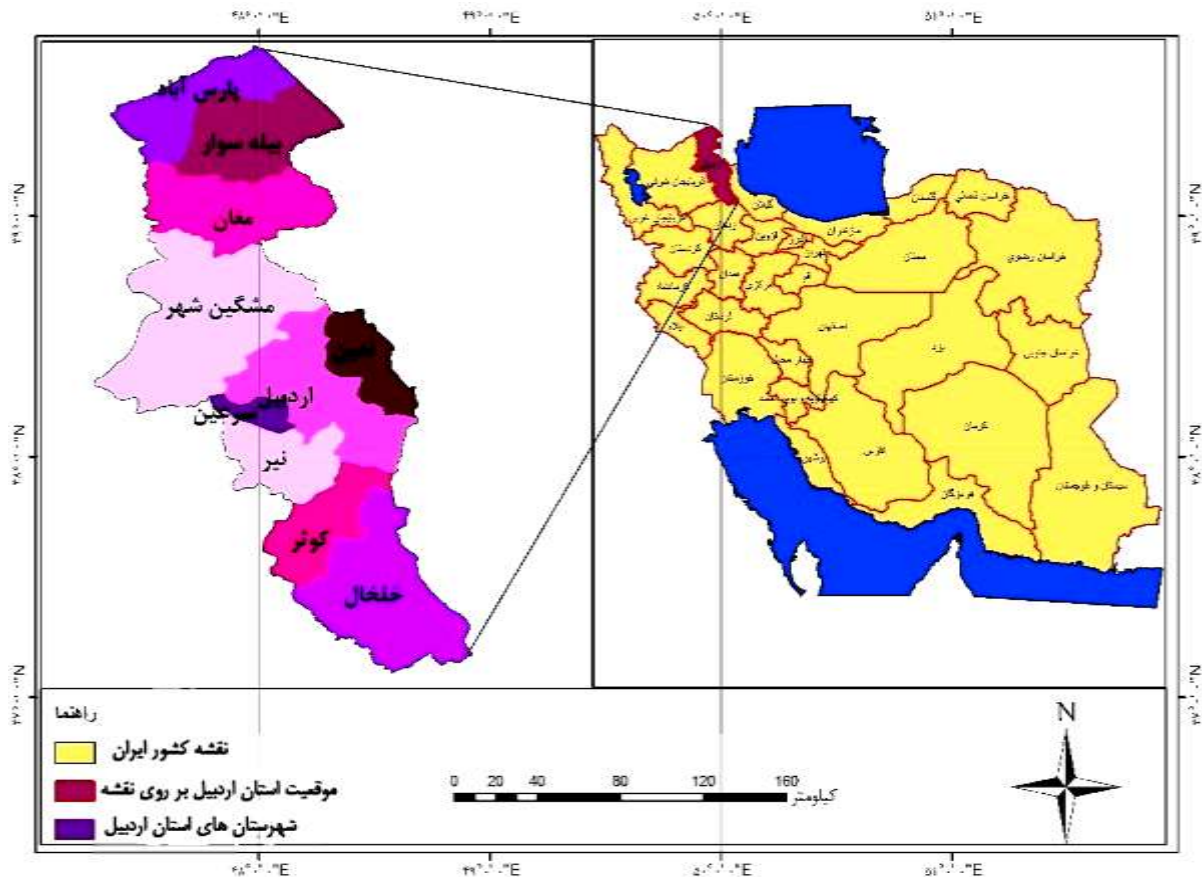
بعد فرهنگی- اجتماعی	بعد آموزشی
نسبت کتابخانه‌های عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر	نرخ باسوادی در نقاط شهری
نسبت اعضا کتابخانه به ۱۰۰۰۰ نفر	نرخ باسوادی در نقاط روستایی
نسبت کتاب‌های موجود کتابخانه عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر	
نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ۱۰۰۰۰ نفر	بعد کالبدی و زیربنایی
نسبت سینما به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت روستاهای دارای ارتباط تلفنی به کل روستاهای شهرستان
نسبت سالن نمایش به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت دفتر پست شهری به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهری
نسبت چاپخانه به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت دفتر پست روستایی به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت روستایی
	نسبت نمایندگی پستی به ۱۰۰۰۰ نفر
	نسبت دفتر پست و مخابرات روستایی (ICT) به کل روستاهای شهرستان
بعد بهداشتی و درمانی	نسبت جایگاه cng به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت خانه‌های بهداشت به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت دفتر پیشخوان دولت به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک متخصص به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت روستاهای گازرسانی شده به کل روستاهای شهرستان
نسبت پزشک فوق تخصص به ۱۰۰۰۰ نفر	
نسبت آزمایشگاه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	بعد اقتصادی
نسبت داروخانه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	نسبت شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل فعال به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت تخت فعال به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل فعال به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت موسسه تشخیصی_درمانی هسته‌ای به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شرکت‌های تعاونی فعال صنعتی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشکان به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت مراکز توان‌بخشی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شرکت‌های تعاونی صنعتی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین بخش صنعت به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پایگاه‌های اورژانس به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شرکت‌های تعاونی معدنی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت دندان‌پزشک به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین شرکت‌های تعاونی معدنی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت تخت فعال در بخش‌های خاص به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین شرکت‌های تعاونی کشاورزی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت داروساز به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شرکت‌های تعاونی کشاورزی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشکان به ۱۰۰۰۰ نفر	
ادامه بعد بهداشتی و درمانی	
نسبت دکترای علوم آزمایشگاهی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت مراکز بهداشتی- درمانی روستایی به ۱۰۰۰۰ هزار نفر
نسبت بیمارستان‌های فعال به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت داروساز به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت مراکز بهداشتی- درمانی شهری به ۱۰۰۰۰ هزار نفر
نسبت تخت ثابت بیمارستان به ده هزار نفر	نسبت دکترای علوم آزمایشگاهی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت دندان‌پزشک به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت پزشک متخصص به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک فوق تخصص به ۱۰۰۰۰ نفر	

محدوده مورد مطالعه

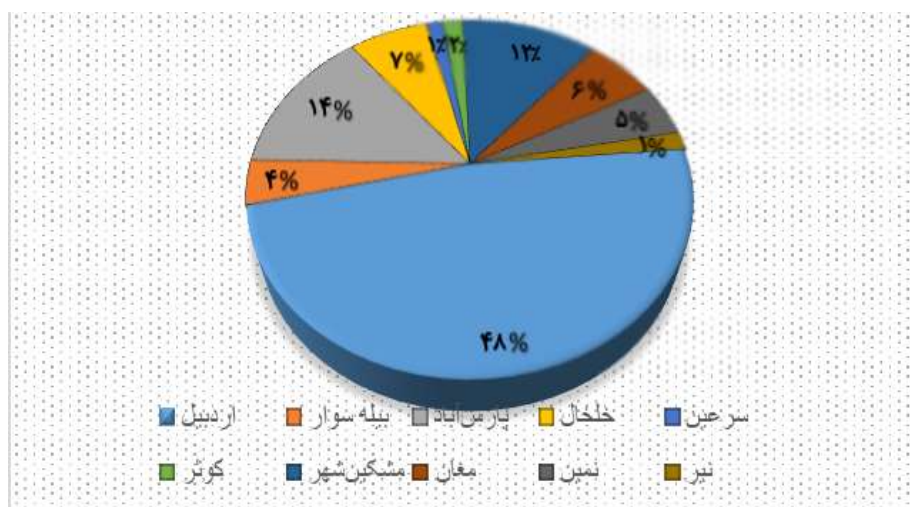
استان اردبیل با وسعتی معادل ۱۷۸۶۷ کیلومترمربع (۱/۰۹ درصد از مساحت کشور) در شمال فلات ایران بین عرض ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۳۰ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در شمال غربی ایران واقع شده است. پست‌ترین نقطه داخلی با ارتفاع ۱۰۰ متر در شهر پارس‌آباد و بیه‌سوار و بلندترین قله آن سیلان با ارتفاع ۴۸۱۱ متر می‌باشد. استان اردبیل از شمال با جمهوری آذربایجان، شرق با استان گیلان، جنوب با استان زنجان و از غرب با استان آذربایجان شرقی محدود شده است. براساس آخرین تقسیمات کشوری این استان به مرکزیت شهر اردبیل دارای ۱۰ شهرستان، ۲۶ شهر، ۲۹ بخش، ۷۱ دهستان و ۱۸۵۲ آبادی می‌باشد که تعداد ۱۶۹۳ آبادی دارای سکنه و تعداد ۱۵۹ آبادی خالی از سکنه می‌باشد (سالنامه آماری استان اردبیل، ۱۳۹۵).

طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت استان برابر با ۱۲۷۰۴۲۰ نفر است. از این تعداد ۵۱/۱

درصد مرد و ۴۸/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و سهم استان از جمعیت کل کشور ۱/۵۹ می‌باشد. براساس سرشماری از نیروی کار ۱۳۹۵ حدود ۳۳/۸ درصد از شاغلین استان در بخش کشاورزی، ۲۵/۶ درصد بخش صنعت، ۴۰/۶ درصد بخش خدمات مشغول به فعالیت بوده‌اند. مقایسه ترکیب اشتغال به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی در سطح استان با کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۵، سهم اشتغال در بخش کشاورزی در استان بسیار بالاتر از میانگین کشوری می‌باشد. مقایسه میانگین اشتغال در بخش صنعت و خدمات در استان اردبیل با میانگین کشور نشان می‌دهد که سهم اشتغال در این دو بخش در این استان پایین‌تر از کل کشور است. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۵ سهم اشتغال در بخش صنعت در استان اردبیل ۲۵/۶ درصد و در کل کشور ۳۲/۵ درصد بوده است. در بخش خدمات نیز در سال مذکور در استان اردبیل ۴۰/۶ درصد شاغلین در حال فعالیت بودند. در حالی‌که این رقم برای کل کشور ۴۹/۴ درصد می‌باشد (سالنامه آماری استان اردبیل، ۱۳۹۵).



شکل ۱. نقشه موقعیت استان اردبیل در تقسیمات کشور ایران



شکل ۲. نمودار توزیع نسبی جمعیت استان اردبیل به تفکیک شهرستان‌ها
 مأخذ: سالنامه آماری استان اردبیل، ۱۳۹۵

وضعیت نیمه برخوردار؛ شهرستان‌های اردبیل و سرعین (رتبه ششم و هفتم)، در سطح محروم و شهرستان‌های نمین، بيله سوار و پارس‌آباد (رتبه هشتم، نهم و دهم)، شهرستان‌های کاملاً محروم استان اردبیل هستند. با توجه به نتایج مدل سیمیلاریته می‌توان بیان کرد که استان اردبیل هم مانند بسیاری از مناطق مرزی کشورمان از نظر برنامه‌ریزی به‌خصوص برنامه‌ریزی منطقه‌ای در وضعیت بسیار نامتعادل و نامطلوبی قرار دارد.

یافته‌ها

تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های استان اردبیل براساس مدل سیمیلاریته

نتایج به‌دست آمده از مدل سیمیلاریته در شهرستان‌های استان اردبیل نشان داد که نابرابری‌های فضایی و عدم توزیع مناسب امکانات و خدمات در نواحی مختلف این استان مشهود است. نتایج نشان داد که شهرستان نیر، خلخال و کوثر که به ترتیب در رتبه اول تا سوم قرار گرفته‌اند، در سطح برخوردار؛ شهرستان‌های مشکین‌شهر و مغان (رتبه چهارم و پنجم)، در

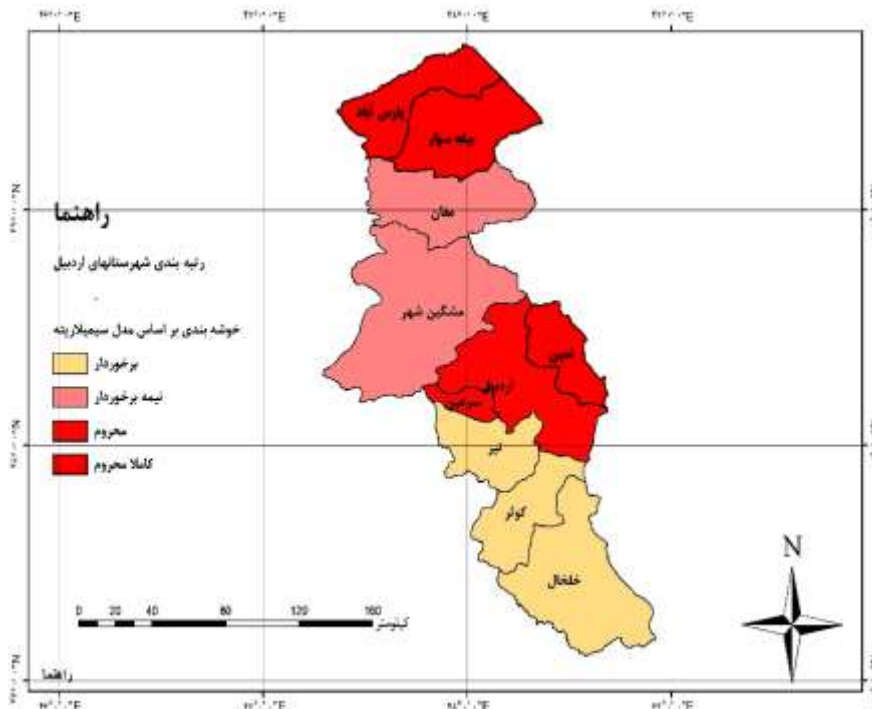
جدول ۲. رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اردبیل براساس مدل سیمیلاریتی

شهرستان	cos	a	cos* A	s	rank
اردبیل	-۰/۲۸۴۰۵	۰/۰۴۱۱	-۰/۰۱۱۶۷	-۰/۰۵۴۷۲	۶
بيله سوار	-۰/۳۱۹۹۱	۰/۰۳۰۳۷	-۰/۰۰۹۷۲	-۰/۰۴۵۵۵	۹
پارس‌آباد	۰/۲۱۱	۰/۰۲۴۲۲	-۰/۰۰۵۱۱	-۰/۰۲۳۶۹	۱۰
خلخال	-۰/۵۳۳۹۴	۰/۰۳۷۱۹	-۰/۰۱۹۸۶	-۰/۰۹۳۰۸	۲
سرعین	-۰/۳۱۰۹۱	۰/۰۳۵۴۳	-۰/۰۱۱۰۱	-۰/۰۵۱۶۳	۷
کوثر	-۰/۴۲۸۱۳	۰/۰۴۳۶	-۰/۰۱۸۶۷	-۰/۰۸۷۵۱	۳
مشکین‌شهر	-۰/۳۰۶۴۷	۰/۰۵۵۵۶	-۰/۰۱۷۰۳	-۰/۰۷۹۸۲	۴
مغان	-۰/۳۲۰۰۷	۰/۰۴۰۳۴	-۰/۰۱۲۹۱	-۰/۰۶۰۵۳	۵
نمین	-۰/۴۰۱۵۲	۰/۰۲۵۵۲	-۰/۰۱۰۲۵	-۰/۰۴۸۰۴	۸
نیر	-۰/۹۶۲۳۴	۰/۰۲۰۱۲	-۰/۱۹۴۵۱	-۰/۹۱۱۸	۱

شهرستان‌های دیگر بافاصله بسیار زیادی از نظر برخوردارگی و توسعه یافتگی قرار گرفته‌اند. این سطح برخوردارگی در مقایسه با

براساس نقشه ترسیم شده (شکل ۳)، از مدل سیمیلاریته می‌توان بیان کرد که شهرستان‌های نیر، خلخال و کوثر نسبت به

شهرستان‌های نمین، بيله‌سوار و پارس‌آباد که در بدترین و محروم‌ترین وضعیت توسعه یافتگی قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که نیاز به برنامه‌ریزی برای از بین بردن نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها ضروری و واجب است.



شکل ۳. نقشه تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های استان اردبیل براساس مدل سیمیلاریته

اول، دوم و سوم)، در سطح برخوردار، شهرستان‌های مغان و کوثر رتبه چهارم و پنجم)، در وضعیت نیمه برخوردار، شهرستان‌های خلخال و پارس‌آباد (رتبه ششم و هفتم)، در سطح محروم، شهرستان‌های سرعین، بيله‌سوار و نمین (رتبه هشتم، نهم و دهم)، شهرستان‌های کاملاً محروم استان اردبیل هستند.

تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های استان اردبیل براساس مدل کپراس

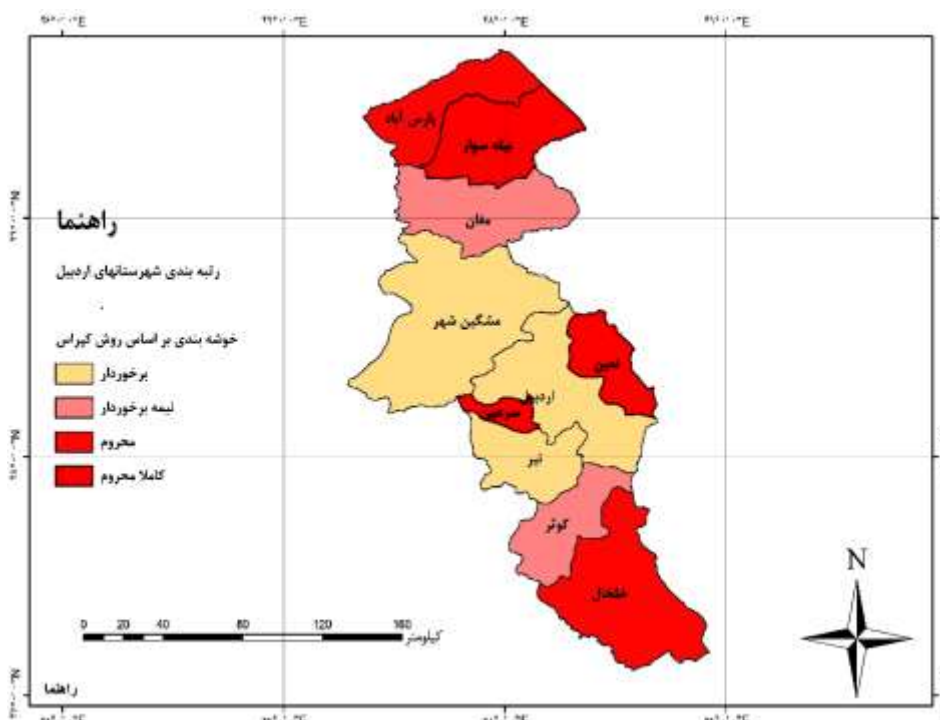
جدول ۳، نتایج نهایی به‌دست آمده از مدل کپراس را به تفکیک هر شهرستان نشان داده شده است. بررسی‌های به‌عمل آمده از مدل کپراس نشان داد که شهرستان‌های نیر، اردبیل و مشکین‌شهر (رتبه

جدول ۳. رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اردبیل براساس مدل کپراس

شهرستان	p	r	rmin/r	q	n	rank
اردبیل	-۰/۱۶۱۴	-۰/۰۰۲۷	-۰/۳۵۸۵۲	-۰/۱۶۲۷	۹/۳۳۵۴	۲
بيله‌سوار	-۰/۰۰۵۷	-۰/۰۰۲۱	-۰/۴۴۸۹۱	-۰/۰۰۵۷	۳/۲۷۲۴۴	۹
پارس‌آباد	-۰/۰۰۸۰۹	-۰/۰۰۱۴	-۰/۶۶۱۴۱	-۰/۰۰۸۰۹	۴/۴۶۴۶۹	۷
خلخال	-۰/۰۱۰۲۶	-۰/۰۰۲۵	-۰/۳۸۳۱۱	-۰/۰۱۰۲۶	۵/۸۹۰۳۷	۶
سرعین	-۰/۰۰۶۲۶	-۰/۰۰۰۱	-۰/۹۸۰۳۶	-۰/۰۰۶۲۶	۳/۵۹۵۰۶	۸
کوثر	-۰/۰۱۰۳۱	-۰/۰۰۲۵	-۰/۳۸۶۴۷	-۰/۰۱۰۳۱	۵/۹۱۴۰۴	۵
مشکین‌شهر	-۰/۰۱۹۳۲	-۰/۰۰۰۱	۱	-۰/۰۱۹۳۲	۱۱/۰۸۴۰۹	۳
مغان	-۰/۰۱۴۲۸	-۰/۰۰۱۹	-۰/۵۰۹۵۳	-۰/۰۱۴۲۸	۸/۱۹۳۴۲	۴
نمین	-۰/۰۰۵۲	-۰/۰۰۱۸	-۰/۵۲۹۷۴	-۰/۰۰۵۲	۲/۹۸۶۴۷	۱۰
نیر	-۰/۱۷۴۲۶	-۰/۰۰۲۶	-۰/۳۶۴۴۱	-۰/۱۷۴۲۶	۱۰۰	۱

در حالی است که بسیاری از شهرستان‌ها و نواحی این استان از سطح توسعه نسبتاً مطلوب هم محروم هستند. شهرستان‌های سرعین، بیله‌سوار و نمین در وضعیت بسیار نامطلوب قرار گرفته‌اند و نسبت به مرکز استان و شهرستان‌های برخوردار در سطح بسیار ناچیزی از توسعه یافتگی قرار گرفته‌اند.

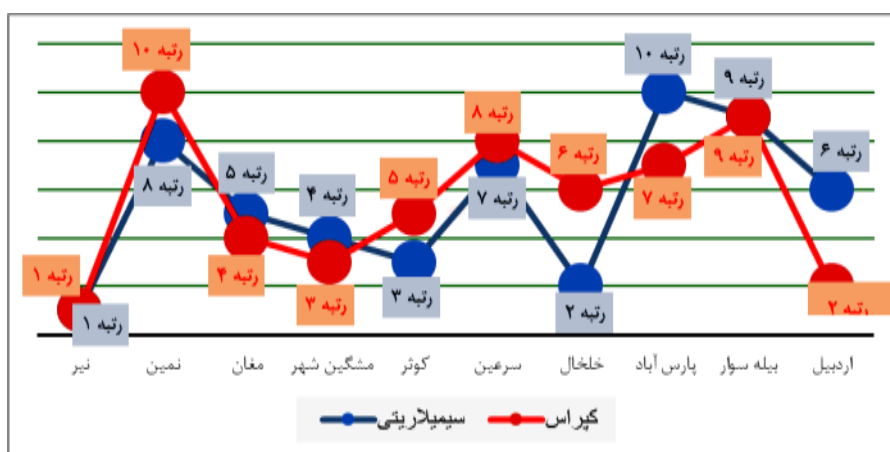
شکل ۳، نقشه نهایی به‌دست آمده از رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اردبیل می‌باشد که براساس مدل کپراس ترسیم شده است. با توجه به نقشه به‌دست آمده از مدل کپراس می‌توان بیان کرد که نابرابری‌های فضایی در نواحی مختلف استان اردبیل به‌وضوح قابل مشاهده است. شهرستان‌های نیر، اردبیل و مشکین‌شهر در سطح توسعه یافته و برخوردار قرار گرفته‌اند. این



شکل ۴. نقشه تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های استان اردبیل براساس مدل کپراس.

نهایی جابه‌جا شود. برای از بین بردن تفاوت موجود در نتیجه نهایی هر دو مدل و همچنین جهت تعیین استراتژی‌های اولویت‌بندی از روش‌های ادغام (میانگین رتبه‌ها) استفاده گردید.

با مقایسه نتایج به‌دست آمده از مدل سیمیلاریته و کپراس مشاهده شد که نتایج این دو مدل بسیار شبیه به همدیگر هستند و در موارد بسیار محدودی با همدیگر متفاوت هستند و این تفاوت‌های محدود باعث شد، جایگاه شهرستان‌ها در رتبه‌بندی



شکل ۵. نمودار مقایسه رتبه‌بندی نهایی دو مدل سیمیلاریته و کپراس

چهارم و پنجم)، در وضعیت نیمه برخوردار، شهرستان‌های خلخال و پارس‌آباد (رتبه ششم و هفتم)، در سطح محروم و شهرستان‌های سرعین، بیله‌سوار و نمین (هشتم، نهم و دهم)، شهرستان‌های کاملاً محروم استان اردبیل هستند.

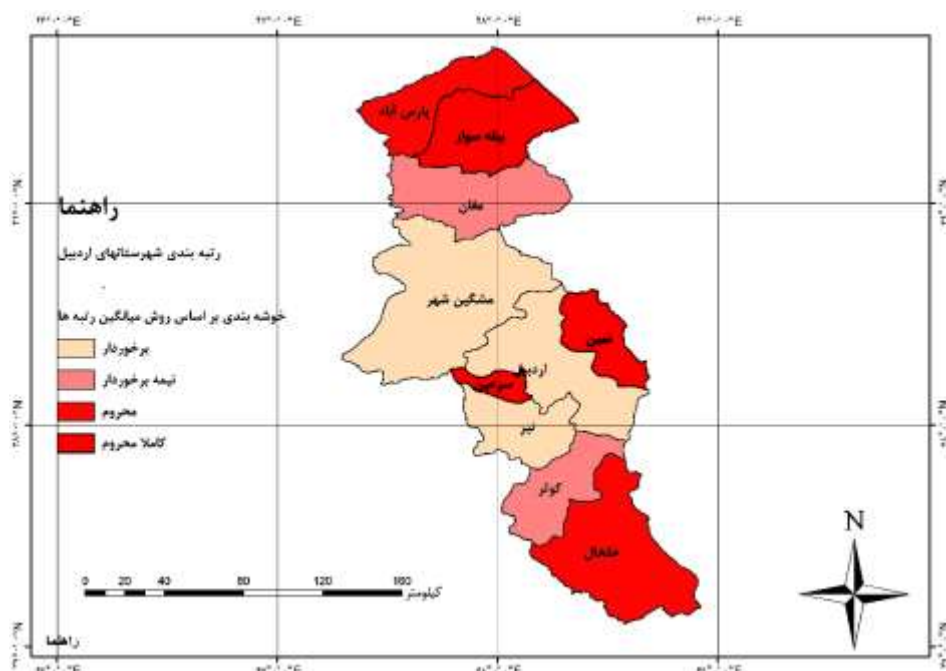
استراتژی اولویت‌بندی با استفاده از روش میانگین رتبه‌ها
با ترکیب و میانگین‌گیری از نتایج و رتبه‌های به‌دست‌آمده از دو مدل به‌کاررفته در این پژوهش نتایج کلی به این صورت می‌باشد که شهرستان‌های نیر، مشکین‌شهر و اردبیل (رتبه اول، دوم و سوم)، در سطح برخوردار، شهرستان‌های مغان و کوثر (رتبه

جدول ۴. رتبه‌بندی نهایی شهرستان‌های استان اردبیل براساس روش میانگین رتبه‌ها

شهرستان	میانگین رتبه	میانگین	کیراس	سیمیلارته
اردبیل	۳	۴/۶۹۵۰۶	۹/۳۳۵۴	۰/۰۵۴۷۲
بیله‌سوار	۹	۱/۶۵۸۹۹	۳/۲۷۲۴۴	۰/۰۴۵۵۵
پارس‌آباد	۷	۲/۳۳۴۳۲	۴/۶۴۴۶۹	۰/۰۲۳۹۶
خلخال	۶	۲/۹۹۱۷۲	۵/۸۹۰۳۷	۰/۰۹۳۰۸
سرعین	۸	۱/۸۲۳۳۴	۳/۵۹۵۰۶	۰/۰۵۱۶۳
کوثر	۵	۳/۰۰۰۷۷	۵/۹۱۴۰۴	۰/۰۸۷۵۱
مشکین‌شهر	۲	۵/۵۸۱۹۶	۱۱/۰۸۴۰۹	۰/۰۷۹۸۲
مغان	۴	۴/۱۲۶۹۸	۸/۱۹۳۴۲	۰/۰۶۰۵۳
نمین	۱۰	۱/۵۱۷۲۵	۲/۹۸۶۴۷	۰/۰۴۸۰۴
نیر	۱	۵۰/۴۵۵۹	۱۰۰	۰/۹۱۱۸

دارند. در فاصله بین شهرستان‌های کاملاً برخوردار و محروم، نواحی مختلفی وجود دارند که در سطح نسبتاً مطلوب یا مطلوب قرار گرفته‌اند (شهرستان‌هایی مانند مغان، کوثر، خلخال و پارس‌آباد)، برنامه‌ریزی و توجه به این مناطق می‌تواند به‌عنوان راهی در جهت از بین بردن فاصله‌ها و عدم تعادل‌ها و رسیدن به عدالت فضایی در نواحی مختلف استان باشد.

نقشه شکل ۶ با استفاده از نتایج رتبه‌بندی نهایی میانگین رتبه‌ها ترسیم شده است و نابرابری فضایی و عدم تعادل در نواحی مختلف استان اردبیل را نشان می‌دهد. این عدم تعادل به صورتی است که برخی از نواحی و شهرستان‌های این استان مانند نیر، مشکین‌شهر و شهرستان اردبیل در بالاترین وضعیت توسعه یافتگی و برخورداری قرار دارند و فاصله بسیار زیادی با شهرستان‌های دیگر



شکل ۶. نقشه تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های استان اردبیل براساس روش میانگین رتبه‌ها

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که نابرابری‌های فضایی و عدم توزیع عادلانه و مناسب امکانات و خدمات در سطح استان اردبیل مانند بسیاری از مناطق و نواحی دیگر کشور وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر شناسایی و تحلیل نابرابری‌های فضایی نواحی مختلف استان اردبیل با تأکید بر عدالت فضایی بود که با استفاده از روش اسنادی اجرا گردید.

نتایج پژوهش نشان داد که نابرابری فضایی و عدم تعادل در نواحی مختلف استان اردبیل وجود دارد. این عدم تعادل به‌صورتی است که برخی از نواحی و شهرستان‌های این استان مانند نیر، مشکین‌شهر و شهرستان اردبیل در بالاترین وضعیت توسعه یافتگی و برخورداری بوده و فاصله بسیار زیادی از نظر امکانات و عدالت فضایی با شهرستان‌های دیگر دارند.

در فاصله بین شهرستان‌های کاملاً برخوردار و محروم، نواحی با سطح نسبتاً مطلوب یا مطلوب قرار گرفته‌اند که شامل شهرستان‌های مغان، کوثر، خلخال و پارس‌آباد می‌شود. برنامه‌ریزی و توجه به این مناطق می‌تواند به‌عنوان راه حلی در جهت از بین بردن فاصله‌ها و عدم تعادل‌ها و رسیدن به عدالت فضایی در نواحی مختلف استان باشد.

یافته‌های این پژوهش مانند پژوهش‌های گذشته انجام یافته در استان‌های دیگر، نشان داد که نابرابری‌های فضایی و عدم توزیع عادلانه و مناسب امکانات و خدمات در استان اردبیل نیز وجود دارد. در این استان نیز مانند بسیاری از مناطق دیگر کشور از قانون مرکز - پیرامون پیروی شده است و این امر باعث عدم تعادل در نظام سکونت‌گاهی و سطح‌بندی خدمات آن شده است. به‌گونه‌ای که بیش‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در چند شهرستان اصلی این استان متمرکز گردیده و با وجود این که همه نقاط استان به‌نوعی دارای قابلیت‌های متفاوتی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد توسعه پایدار هستند اما نادیده رفته شده و از پتانسیل موجود جهت توسعه مناطق استفاده نشده است.

شهرهای کوچک در نقاط گوناگون منطقه پراکنده هستند که به دلیل قابلیت‌های محدود و ناچیز اقتصادی - خدماتی توان پرتوافشانی به پیرامون خود را ندارند و نمی‌توانند نقشی قوی به‌عنوان کانون‌های انتشار توسعه ایفاء نمایند.

مسلم است که چند شهر اصلی و مهم استان نمی‌توانند الگوهای سکونت در تمام منطقه را تحت شعاع خود قرار دهند و نواحی وسیعی از شمال و جنوب استان از دریافت امکانات مستقیم شهرهای اصلی محروم هستند. براساس نتایج نهایی مطالعه مشخص شد که نواحی مختلف استان اردبیل از نظر شاخص‌های

توسعه در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و نابرابری‌های فضایی و عدم تعادل جغرافیایی در تمامی نواحی آن آشکارا به چشم می‌خورد. به‌گونه‌ای که در این استان شهرستان‌های نیر، مشکین‌شهر و اردبیل از نظر سطح برخورداری دارای ضریب میانگین ۲۰/۲۴، شهرستان‌های مغان و کوثر با ضریب میانگین ۳/۵۷، دارای سطح نیمه برخوردار، شهرستان‌های خلخال و پارس‌آباد با ضریب میانگین ۲/۶۷، در سطح محروم و شهرستان‌های سرعین، بيله‌سوار و نمین با ضریب میانگین ۱/۶۷ در سطح کاملاً محروم قرار گرفته‌اند.

با توجه به نتایج بدست آمده لزوم توجه به برنامه‌ریزی‌های اصولی، اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق برای ایجاد تعادل منطقه‌ای و رسیدن به سطح توسعه‌ای مطلوب با رویکرد عدالت فضایی در این استان بیش‌ازپیش نمایان می‌شود.

راهکارها

با توجه به یافته‌های تحقیق، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ✓ آمایش اقتصادی استان، به‌ویژه اعطای نقش بالای بازرگانی به بخش‌های شمالی استان؛
- ✓ توجه به توسعه و گسترش صنایع مرتبط با کشاورزی، دامپروری؛
- ✓ تأکید بر افزایش سهم تولیدات دانش‌محور؛
- ✓ برنامه‌ریزی و محرومیت زدایی از شهرستان‌های دارای سطوح بسیار پایین توسعه یافتگی؛
- ✓ تعادل بخشی در سازمان فضایی استان اردبیل با ایجاد زیرساخت‌ها در نواحی محروم؛
- ✓ تقویت شهرهای میانی استان، جهت ایجاد کانون‌های جدید توسعه؛
- ✓ گسترش و توسعه امکانات و خدمات گردشگری در نواحی مستعد طبیعی استان؛
- ✓ افزایش نقش صنایع و همگام شدن رشد صنایع با بخش‌های دیگر اقتصادی برای رعایت تناسب فعالیت‌های اقتصادی؛
- ✓ بهبود کارایی جمعیت فعال استان با ایجاد اشتغال پایدار در نقاط مختلف و محروم استان؛
- ✓ توانمندسازی روستاییان و احیای صنایع دستی خاص منطقه؛
- ✓ تقویت و گسترش امکانات و زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و ... در تمام مناطق استان؛
- ✓ فراهم نمودن زمینه لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های گوناگون؛
- ✓ بهره‌گیری از مشارکت مردمی در فرآیند تهیه طرح‌های توسعه شهری و توجه به نیازهای اساسی شهروندان؛

✓ گسترش راه‌های ارتباطی به‌عنوان گلوگاه توسعه و تعادل
 ✓ تدوین برنامه جامع اشتغال استان و احصای وضعیت و
 بخشی به سازمان فضایی و ارتباطی استان؛
 موقعیت راهبردی هر یک از شهرستان‌ها.

منابع

- اسماعیل‌زاده، حسن، صفرخانی، رضوان، اسماعیل‌زاده، یعقوب (۱۳۹۶)، تحلیل سطوح برخورداری و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان همدان با استفاده از مدل‌های چندمعیاره *TOPSIS* و *KOPRAS*، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره هفتم، شماره ۲۵: ۲۸-۱۵.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۹۲)، نظریه توسعه روستایی، سمت.
- تقوایی، مسعود، صالحی، مریم (۱۳۹۲)، سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان (با تأکید بر رویکرد تحلیل منطقه‌ای)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره سوم، شماره ۱۱: ۳۰-۱۹.
- تقوایی، مسعود، بهاری، عیسی (۱۳۹۱)، سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره بیست سوم، شماره ۴: ۳۸-۱۵.
- حاتمی‌نژاد، حسین، فرهودی، رحمت‌اله، محمدپور جابری، مرتضی (۱۳۸۷)، تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهر (مورد مطالعه شهر اسفراین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و یکم، شماره ۶۵: ۸۵-۷۱.
- خاکپور، براتعلی، باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، دانش و توسعه، دوره شانزدهم، شماره ۲۷: ۲۰۲-۱۳۰.
- زیاری، کرامت اله (۱۳۷۹)، اصول و روش برنامه‌ریزی منطقه‌ای، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- سرابی، محمدحسین، طاووسیان، علی، الله‌وردی، مرادعلی، رضایی، حجت (۱۳۹۴)، سطح‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره پنجم، شماره ۲۰: ۲۸-۱۵.
- شهنازی، اسماعیل (۱۳۷۲)، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- فریدمن، جان (۱۳۷۹)، به‌سوی برنامه‌ریزی غیر اقلیدسی، ترجمه ناصر برک‌پور، مدیریت شهری، شماره ۲: ۱۴-۱۹.
- قنبری، ابوالفضل، حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره اول، شماره ۵: ۲۲-۱.
- کریمی موغاری، زهرا، براتی، جواد (۱۳۹۶)، تعیین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص‌های ترکیبی چندبعدی، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره هفتم، شماره ۲۶: ۷۰-۴۹.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۰)، الگوسازی تفاوت منطقه‌ای از دیدگاه توسعه منطقه‌ای، طرح پژوهی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- استاندارداری اردبیل (۱۳۹۵)، سالنامه آماری استان اردبیل، استاندارد اردبیل.
- لانوری شمسی، هادی (۱۳۸۲)، درآمدی بر توسعه اقتصادی، کرمان: نشر صنم.
- موحد، علی، قادری، طاهره (۱۳۷۶)، برنامه‌ریزی توسعه فضایی بخش زواره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- نظم‌فر، حسین، علی‌بخشی، آمنه، باختر، سهیلا (۱۳۹۴)، تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای استان کرمانشاه با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره پانزدهم، شماره ۳۶: ۲۵۲-۲۲۹.
- هنری پاول، مارک (۱۳۷۴)، فقر پیشرفت توسعه، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ویسی‌ناب، برهان، نیک‌سرشت، مهدی، ابراهیمی، امید، سبزی، مهدی (۱۳۹۶)، سطح‌بندی و بررسی تطبیقی سطوح توسعه یافتگی با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان کرمانشاه)، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)، دوره دوازدهم، شماره ۳: ۷۲۹-۷۱۱.
- Bigdeli, Elnaz (2006), *Sustainable development in new towns, Collections urban development projects, economics cities*, Tehran: Department of Housing and Urban Development in new cities.
- Bin, Peng (2015), *Regional Disparity and Dynamic Development of China: a Multidimensional Index*.
- Dalir, K., Maleky, S. (2002), *Sustainable development with an emphasis on urban and regional sustainability city of Eilam*, Ilam Culture Magazine, 2: 128-138.
- Dufaux, Frederic (2008), *Birth announcement, justice spatial/spatial justice*, Available in: www.jssj.org.

- Goletsis, Y.; Chletsos, M. (2011), *Measurement of development and regional disparities in Greek periphery, A multivariate approach*, Socio - Economic Planning Sciences, 45(4): 174-183.
- Hadder, Rupert (2000), *Development Geography*, London, New York: Routledge.
- Hakizimana, J. M., Geyer, H. (2014), *Socio-economic inequality in South Africa according to different disparity indices*.
- Hewko, Jared Neil (2001), *Spatial equity in the urban environment: assessing neighbourhood accessibility to public amenities*. University of Alberta.
- Kriaa, M., Driss, S., Karray, Z. (2011), *Inequality and Spatial Disparities in unisia*, The Journal of Business Inquiry, 10(1): 161-175.
- Liao, C. H., Hsueh-Sheng, C. Tsou, K. W. (2009), *Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development viewpoint*. Department of Urban Planning.
- Prang, Julia (2009), *Spatial justice: Anew Frontier in Planing For just*. Sustainable Commuities, Tuftsunivrsity.
- Shankar, R.; Shah, A. (2003), *Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities*, World development, 31(8): 1421-1441.
- Soja, Edward (2006), *The City and Spatail Jastice, justice Spatial/spatial justice*, www.jssj.org.
- Talen, Emily (1996), *After the plans: Methods to evaluate the implementation success of plans*, Journal of Planning Education and Research, 16(2): 79-91.

Copyrights

© 2022 by the authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

